

از گزاره های خود را از اظهارنظرهای افرادی از داخل کشور می گیرند. مثلاً یک جمله از یک سردار، یک جمله از یک نماینده مجلس ، یا یک جمله از یک عضو دولت و یا امام جمعه نقل می کنند، شاید گویندگان این جملات هرگز فکر نکنند که این ها در پازلی که آنان تعریف می کنند قرار بگیرد، اما وقتی به محتوای رسانه های خارجی نگاه می کنیم، می بینیم چپنش این جملات از سوی این رسانه ها متناسب با کاربرد و مقصدشان مهندسی شده است. بنابراین بخشی از این مساله، ناشی از تبلیغات و بازی روانی دشمن است و هیچ بستری در داخل ندارد. زیرا حوزه سیاست خارجی کشور حوزه تعریف شده‌ای است که وظایف و تصمیمات مشخصی دارد و هیچ چالشی در حوزه سیاست خارجی نداریم. خود حاج قاسم نماد چنین رویکردی بود که آقای ظریف در سخنرانی هایی که در جاهای مختلف یا حضوری در مجامع دیپلماتیک برای ماموریت خود دارد، اشاره کرده اند که ما یک دیپلماسی نظامی و یک دیپلماسی سیاسی داشته و داریم. نکته دوم اخلاص و شهامت حاج قاسم در انجام کار و نکته دیگر اعتقاد عمیقش به سربلندی ملت ایران بود که همین دیدگاه نسب رفاه امت اسلامی هم تسری می یابد.

در دوران دفاع مقدس، لشکر ۴۱ ثارالله از نیروهای سه استان هرمزگان، سیستان و بلوچستان و کرمان تشکیل شده بود که شامل نیروهای زبده ای بودند و در اکثر عملیات ها نقش و توان موثری داشتند. حاج قاسم وقتی در مسئولیتی با ابعاد کشورهای اسلامی هم قرار گرفت، همین تفکر را در گسترده جهان اسلام پیاده می کرد. چنانکه امروز لشکر فاطمیون سرمایه بزرگی برای ملت افغانستان است، یا حشدالشعبی در عراق، جیش الوطنی در سوریه و انصارالله هم در یمن که سرمایه های بزرگی برای امنیت این کشورها محسوب می شوند.

در زمینه تقویت گروه‌های فلسطینی نیز در حالی که نگاه بخش عمده فلسطینی‌ها به مذاکره بود، امروز می بینیم که حماس و جهاد اسلامی مجموعه‌هایی شناخته می شوند که اسرائیل جرأت نمی کند با آنان مواجه و رو به رو شود. این به معنی است که نگاه حاج قاسم قدرتی را به وجود آورد که تعلق خاطری که شما به آن اشاره کردید از آن نشات می گیرد. به عبارت دیگر، هیچ گاه در اندیشه حاج قاسم گشایش سرزمینی جایی نداشت، نه برای چسباندن این بخش ها به سرزمین ایران که به تعبیر حضرت آقا ما نیازی به این کار نداریم ونه در پی آن بود تا از این دستاوردها برای شهرت و تبدیل خود به یک قهرمان استفاده کند. او به دنبال ایجاد یک بنیه قوی برای دفاع از کشورهای اسلامی بود تا جلوی ظلم آمریکایی ها و صهیونیست‌ها را بگیرد. این نگاه بلند، عمیق و صادقانه بود که او را به قاسم سلیمانی وقهرمان محبوب ملت ایران و امت اسلامی تبدیل کرد. اوج ایشار او در ملاطفت و مهریانی بود که با خانواده شهدا داشت. از این نظر به باور من در حق او ظلم شد. او یک چهره برجسته در عرصه مقابله با تروریسم بود. امروز زنان کوبانی هم رشادت و حمایت قاسم که باعث نجات شان از شر داعش شد را می ستایند و به او افتخار می کنند. کردها و اهل سنت عراق، کردها و ارتش سوریه هم با افتخار به حاج قاسم نگاه می کنند و او را شخصی می دانند که توانست کمک کند تا آنان کشور خود را حفظ کنند.

■ **گفته می شود در ماه‌های اول آغاز بحران در سوریه، حاج قاسم منتقد رفتار حزب بعث به ویژه آقای ماهر اسد بود و می گفت اگر حزب بعث مثنی نظامی گری خودش را کنار می گذاشت، بحران سوریه به این مرحله نمی رسید. یا اینکه سردار چهارباغی، عنوان کرد که مردم شهرک نبل و الزهرای سوریه به رهبری نامه نوشتند و خواستند که محاصره این مناطق شکسته شود و رهبری هم به حاج قاسم گفتند بروید آنجا را آزاد کنید، اما با کمترین کشته و زخمی. واقعا شهید سلیمانی در منطقه چه کرد؟**

حاج قاسم درباره نحوه تعامل با مردم و مسئولان تجارب ارزنده‌ای داشت و همراه با آن شناخت عمیقی داشت مبنی بر اینکه صاحبان یک کشور مردم ساکن در آن جغرافیا هستند و به شدت به این اصل پای بند بود. سردار شهید همدانی به من گفت حاج قاسم یک توصیه خیلی جدی به ما کرده و گفته بود باید طوری ارتشی‌های سوریه را آموزش دهید که در آزادسازی مناطق کمترین تلفات انسانی را داشته باشیم و باید میان مردم و مسلحین تفکیک قابل شوند. زیرا هم نیروهای نظامی سوریه تجربه کافی را نداشتند، هم مسلحین به عنوان یک استراتژی مردم را سپر خود می کردند. با تروریست‌ها با تئوری تخریب و ایجاد موج رعب و وحشت رفتار کردند، اما یکی از کارهای حاج قاسم این بود که این رعب و وحشت را شکاند و به مردم این کشورها اعتماد به نفس داد. به همین دلیل است که یک ژنرال بازنشسته حزب بعث صدام که رفتار حاج قاسم را در

آمرلی دید، گفت: " من با تمام وجود به شما افتخار می کنم." بنابراین می توان گفت مکتب حاج قاسم، مکتب یک پاسدار مقید و مسلط به مبانی دینی است. یک بار از او پرسیدند، عده و تجهیزات و امکانات داعش قابل قیاس با امکانات شما نبود، چطور آنان را شکست دادید؟ پاسخ داد علت اصلی شکست داعش این بود که آنان به رغم ادعای هیچگاه با مبانی دینی و جهاد قرآنی مبارزه نمی کردند و رفتارشان مبنای دینی نداشت. اضافه کرد که همه برکات ما در دفاع مقدس یا در جبهه مقاومت محصول تلاشی است که با فتوای یک مرجع تقلید انجام می دهیم؛ چه در دوره امام و چه در دوره مقام معظم رهبری. مکتب حاج قاسم این هاست.

■ **اخیرا ادعایی مطرح شد مبنی بر اینکه وقتی آقای ظریف با جان کری همتای سابق آمریکایی خود مذاکره کرده، شهید سلیمانی پیامی به آقای ظریف فرستادند. این ادعا روایت به گونه ای است**



■ **حاج قاسم به همه ملت، همه قومیت ها با زبان ها و گویش ها و مذاهب و مسلک های مختلف تعلق داشت**

■ **که گویی بین ظریف و سردار سلیمانی هماهنگی نبوده است؟**

بله حاج قاسم هر کسی را متناسب با خودش و ماموریتی که داشت تعقیب می کرد و معتقد بود همان طور که من سرباز ولایت در عرصه خودم هستم، آنها هم کارهایی را انجام می دهند که هماهنگ شده است، ما می خواهیم حوزه جهاد و رزم را با حوزه گفتمان مقایسه کنیم و نشان دهیم اینها در یک راستا و مکمل هم هستند، یعنی آرزوی یک کشور همین است که تمام ظرفیت خود را تجمیع کند برای رسیدن به اهدافی که ملتش دارد که آن سربلندی مردم آن کشور و امید به آینده است. من فکر می کنم سردار سلیمانی این مقوله را خیلی مد نظر داشت. یک بار خودش نقل کرد من با آقای ظریف گفت وگویی داشتم در اوایل وزارت خارجه ایشان و گفتم عراق امروز با عراق قبل خیلی متفاوت است و بعد که آقای ظریف به بغداد سفر داشت گفته بود دقیقاً چیزی بود که شما گفتید و احساس می کنم شرایط ما در عراق نسبت به قبل از کاری که نیروی قدس در کمک به مردم و دولت عراق انجام داده است، بسیار مساعدتر شده است.

البته اختلاف دیدگاه طبیعی و بدیهی است و ما هرگز نباید انتظار داشته باشیم حرفی که از زبان یک فرمانده نظامی می شنویم از زبان آقای ظریف هم بشنویم بالاخره ادبیات گفتمانی شان متفاوت است؛ اما ما خودمان در سپاه احساس نمی کنیم دوگانگی و تضاد تعمدی وجودداشته باشد حالا ممکن است یک عنصر نفوذی وجود داشته باشد و رفتاری انجام دهد و تشدید کند ولی در کلان سپاه حداقل هر دولتی را که سر کار آمده و مردم انتخاب کردند و شورای نگهبان تایید کرده و حضرت آقا تنفیذ فرموده اند ، سپاه نهایت همکاری را با دولت انجام داده است. این ظلم به سپاه است که گفته می شود مثلاً سپاه در این دولت بیشتر تعامل کرده و در دولت دیگر کمتر تعامل کرده است ، این نوعی توهین به سپاه است انصافاً من که درون سپاه هستم می بینیم این نهاد نهایت تلاش خود را می کند موفقیت دولت را هم موفقیت خود و نظام می داند چون ما از نظر بیرونی واحد هستیم و تفکیکی بین قوا وجود ندارد.

■ **یک نکته دیگر این واقعیت است که پس از انقلاب، زندگی و حیات فرماندهان و ژنرال های ما با شهادت آمیخته است، در حالی که مثلاً ژنرال های ترک یا روسی اینطور نیستند. این چه گونه زندگی است که امثال حاج قاسم با مرگ دارند؟**

بارها گفته شد که تفاوت دفاع مقدس ما با دیگر صحنه های جنگ و رزم، این است که در دفاع ما، ابتدا فرماندهان ما می

روند و از رزمندگان خود می خواهند که بیایند، نه اینکه خودشان بایستند و به دیگران بگویند که بروید. همین حاج قاسم و امثال او یعنی شهدای بزرگواری مثل همت، باکری و احمد کاظمی مشی شان همواره این بود. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که از سال های دفاع مقدس که حاج قاسم را شناختم تا آخرین لحظه زندگی اش، می دیدم که هرچه مشهورتر و محبوب تر می شد، تواضع او هم بیشتر می شد. قاسم در دفاع مقدس به گونه ای با افراد معاشرت می کرد، اما وقتی فرمانده شناخته شده محور مقاومت شد هم بر تواضع او افزوده شد. گاهی با خودم فکر می کنم شاید خداوند نسبت به همت و باکری عمر طولانی تری به حاج قاسم داد تا نسل جوان ما که همت و باکری یا احمد کاظمی و صیاد شیرازی را ندیده بودند، به عینه ببینند که سرداران ما چطور زندگی می کنند و چگونه شخصیتی دارند.

■ **تشییع باشکوه شهید سلیمانی بعد از برخی رویدادهای داخلی که در پاییز سال قبل رخ داده بود، در آن روزها شرایط دشواری بر کشور حاکم شده بود اما اینکه بعد از آن اتفاقات چنین تشییع با شکوه و شگفت آوری در کشور برگزار شود، اتفاق بسیار مهمی بود. آیا شما این اتفاق را پیش بینی می کردید؟**

ما گمانه هایی داشتیم. زیرا تا قبل از شهادت، هر جا که حاج قاسم حضور می یافت، استقبال بی نظیری از او می شد که این ناشی از شخصیت کاریزماتیک او بود. اما اینکه بگویم این تصور با این برآورد را داشتیم که این سیل عظیم جمعیت در تشییع جنازه حاضر شود، این طور نبود. موقعی که اعلام شد پیکر ایشان در خوزستان تشییع می شود، سردار شاهورایور فرمانده سپاه خوزستان با بنده تماس گرفت و گفت اصلاً تصور نمی کنید چه جمعیتی از نقاط مختلف استان خوزستان به سمت مرکز استان سرازیر شده است. اساساً پیش بینی های ما برای تشییح سردار در شهرهای مختلف بهم ریخت و یک اتفاق بی سابقه و بی نظیر بود. حتی شهرهای دیگر هم این تقاضا را داشتند که از سوی ما ممکن نبود.

■ **علت این حضور افراد از همه طیف ها و سلیقه ها را چه می دانید؟**

این ناشی از بصیرت و هوشمندی مردم ایران است. مردم ایران سره را از ناسره خوب تشخیص می دهند. ببینید بعد انقلاب حداقل من سراغ ندارم که حضرت آقا درباره یک سردار بفرمایند سردار ملی. ما فقط در دوران مشروطیت این عبارت را داشتیم و شنیده بودیم، ولی اینکه حضرت آقا این تعبیر را به کار ببرند، یعنی حاج قاسم به همه ملت، همه قومیت ها با زبان ها و گویش ها و مذاهب و مسلک های مختلف تعلق داشت.

■ **شما چطور از شهادت سردار سلیمانی مطلع شدید و جمع بندی سپاه برای اعلام این خبر چطور بود؟**

برغم ضعف در برخی پروتکل های رسانه‌ای حوزه نظامی، در اینجا صدا و سیما و سپاه خیلی شفاف اطلاع رسانی و اعلام کردند که سردار سلیمانی به شهادت رسیده است.

ساعت سه و نیم صبح بود که یکی از مدیران صدا و سیما ی تماس گرفت و گفت المیادین دارد زیرنویس می کند یک عملیات تروریستی در نزدیکی فرودگاه بغداد صورت گرفته و یک احتمال وجود دارد که حاج قاسم هم مورد این سوقصد بوده باشد ، ساعت سه و نیم جمعه ۱۳ دی سال قبل بود خب من با دوسه نفر از مسئولان از جمله حاج آقای طائب که مسئول سازمان اطلاعات سپاه بود و یکی از مسئولین مان در سپاه قدس تماس گرفتم ، موفق نشدم با آقای طائب صحبت کنم ، به سردار نجات که جانشین ایشان در ان مقطع بود زنگ زدم و ایشان گفت بررسی می کند خبر می دهد. تنها چیزی که ذهنم رسید این بود که به حاج آقای شیرازی که نمایندگی ولی فقیه در نیروی قدس و همسایه ایشان بود زنگ بزنم و فقط یک سوال کردم که حاج قاسم سوریه یا عراق بوده که چند دقیقه بعد تماس گرفت که سوریه بوده است. در همین فاصله از منبع دیگری سوال کردم که گفت قرار بوده از سوریه به عراق برود. گفتم چه زمانی گفت همین امروز که بعد به سردار سلامی زنگ زدم ایشان هم گفتند شما سریع بیایید دفتر من هم دارم می آییم.

■ **در همان ساعت سه و نیم صبح؟**

بله دیگر ساعت چهار و ربع صبح شده بود که رفتم دفتر سردار سلامی و دیدم جمعی دیگر از دوستان نیروی قدس از جمله آقای قآنی تشریف آورده بودند، تقریباً در ان ساعت قطعی شده بود که این اتفاق رخ داده است و تایید هم شده بود، آنجا درباره دو موضوع جمع بندی شد یکی اطلاع رسانی موضوع که قرار شد من با شبکه خبر گفت وگویی کنم و اعلام کنم و ساعت نه و نیم صبح بود که اینجا در محل خودمان گفت وگویی کردیم.